رابطه شیوه‌های فرزند پروری و گرایش به اعتیاد در دانش آموزان دبیرستانی شهر ایلام: نقش واسطه ای نوجویی

وحید احمدی[۱]، شکوه السادات بنی جمالی *[۲]، غلامرضا صرامی فروشانی[۳]

۱) گروه روانشناسی سلامت، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران

۲) گروه روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه الزهرا، تهران، ایران

۳) گروه روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه خوارزمی، کرج، ایران

تاریخ دریافت:۹۵/۱/۱۵ تاریخ پذیرش:۹۵/۳/۲۹

چکیده

مقدمه: اعتیاد یک بیماری جسمی و روانی در نظر گرفته می شود که به دلیل ماهیت پیش رونده اش سلامت فرد و جامعه را در همه ابعاد زندگی به خطر می اندازد. لذا هدف پژوهش حاضر بررسی نقش واسطه گری نوجویی در رابطه شیوه های فرزند پروری و گرایش به اعتیاد در دانش آموزان دبیرستانی شهر ایلام بود.

مواد و روش ها: جامعه آماری پژوهش حاضر را کلیه دانش آموزان پسر دبیرستانی شهر ایلام که در نیمسال اول تحصیلی ۹۵-۹۴ مشغول به تحصیل بودند، تشکیل داده است. به منظور انجام این پژوهش ۴۱۰ نفر به روش تصادفی چندمرحله‌ای انتخاب شدند و پرسشنامه های شیوه های فرزند پروری بامریند، نوجویی کلونینجر و گرایش به اعتیاد زرگر را تکمیل نمودند. داده ها با آزمون های همبستگی پیرسون و تحلیل مسیر و با استفاده از نرم افزار Amos ویرایش ۱۶ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

یافته های پژوهش: نتایج نشان داد مدل پیشنهادی با داده های پژوهش برازش مناسبی داشت. نتایج تحلیل مسیر نشان داد که شیوه های فرزندپروی بر گرایش به اعتیاد و نوجویی اثر مستقیم معنی دار دارند و همچنین این نتیجه حاصل شد که نوجویی در رابطه‌ی شیوه های فرزند پروری با گرایش به اعتیاد نقش واسطه ای دارد.

بحث و نتیجه گیری: بر طبق نتایج پژوهش حاضر نوجویی یکی از موثرترین دلایل گرایش به اعتیاد در دانش آموزان است. لذا با وجه داشتن به این امر، مسئولان و فعالان حوزه سلامت بایستی تدابیری جهت افزایش آگاهی والدین در زمینه ی آموزش شیوه های فرزند پروری مناسب و نقش ویژگی های شخصیتی در گرایش به اعتیاد را اتخاذ نمایند.

واژه های کلیدی: شیوه‌های فرزند پروری، اعتیاد، نوجویی، دانش آموزان

* **نویسنده مسئول:** گروه روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه الزهرا، تهران، ایران

Email: Banijamali.sh@gmail.com

Copyright © 2017 Journal of Ilam University of Medical Science. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution international 4.0 International License (https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/) which permits copy and redistribute the material, in any medium or format, provided the original work is properly cited.

[Downloaded from sjimu.medilam.ac.ir on 2026-10-11]

[DOI: 10.29252/sjimu.25.3.117]

مقدمه

اعتیاد، یکی از مهم ترین آسیب‌های اجتماعی است که جامعه و به خصوص نسل جوان را به صورت جدی تهدید می‌کند (۱) اعتیاد وضعیتی است که در نتیجه‌ی مصرف پیاپی یک ماده‌ی طبیعی یا مصنوعی شکل می‌گیرد، به طوری که شخص از نظر جسمانی و روانی به آن ماده وابسته می‌گردد (۲). عوامل بی‌شماری از جمله عوامل فردی، خانوادگی و اجتماعی در شروع، ادامه و یا بازگشت پس از درمان وابستگی به مواد مخدر موثر هستند (۳ و ۴). آمارها بیانگر آن است که نرخ شیوع مصرف مواد مخدر در جمعیت سنی ۱۵ تا ۶۴ ساله کشور ایران معادل ۲/۶۵ درصد بوده به طوری که تعداد تقریبی معتادان یک میلیون و ۳۲۵ هزار نفر برآورد شده است. بر اساس آمارها و با توجه به پایین آمدن سن گرایش به اعتیاد، از جمله مشتریان سوءمصرف مواد، دانش آموزان هستند. سلامتی و بهداشت روانی دانش آموزان به عنوان سرمایه‌ها و آینده‌سازان جامعه یکی از دل مشغولی‌ها و نگرانی‌های برنامه ریزان و تصمیم گیرندگان است؛ با این حال، تعداد پژوهش‌های انجام گرفته در این حیطه اندک است (۵).

بر طبق مطالعات صورت گرفته، نگرش‌ها، اعتقادات و رفتارهای والدین که در قالب الگوی خانوادگی یا شیوه-های فرزند پروری نمود پیدا می‌کند، عامل بسیار مهمی در تکوین شخصیت و هویت فرزندان و همچنین گرایش آن‌ها به سمت رفتارهای پرخطر و سوء مصرف مواد محسوب می‌گردد. چنان‌که رشد یافتن در یک محیط خانوادگی گرم و صمیمی به طور مثبت با رشد روانی سالم در دوران نوجوانی مرتبط است. براساس مطالعات و نظریه‌های شخصیت، گرایش به رفتارهای پرخطر و سوء مصرف مواد در دوران کودکی ریشه دارد و به طور خاص تحت تاثیر زندگی خانوادگی اولیه و شیوه‌های فرزند پروری است (۶). مکوبی و مارتین معتقدند که سبک‌های فرزند پروری بر اساس دو مشخصه‌ی میزان توقع و پاسخدهی طبقه‌بندی می-شوند. توقع به این اشاره دارد که والدین، رفتار پخته را از فرزندان خود انتظار دارند و پاسخدهی به این اشاره دارد که والدین گرمی عاطفی و پذیرش نشان دهند و خود را درگیر کارهای کودکان کنند. بر این اساس، سه سبک مستبد، سهل‌گیر و مقتدر را معرفی نمودند (۷)؛ که هر یک از این سبک‌ها می‌تواند فرد را در برابر مسایل و مشکلات مختلف حفظ نماید و یا مشکلات وی را بیشتر نماید. کودکان والدین مقتدر، شایستگی-های شناختی و اجتماعی بالاتر، احساس سلامت روان شناختی و ارتباط بهتر با دیگران دارند. از طرف دیگر کودکان والدین مستبد، عیار پایینی از مشکلات رفتاری و مصرف مواد، همراه با شایستگی اجتماعی و عزت نفس پایین تر از خود نشان می‌دهند و کودکان والدین سهل‌گیر، شایستگی اجتماعی و عزت نفس بالایی دارند اما انگیزه‌ی پیشرفت پایین و درگیری پایین با مسایل تحصیلی و عیار بالایی در مشکلات رفتاری و مصرف مواد دارند (۸). در مطالعه ای پاتوک-پکام و مورگان-لوپز دریافتند والدین سهل‌گیر به طور مستقیم روی روندهای کنترل عمومی و اختصاصی و به طور غیرمستقیم در مصرف مواد و الکل در فرزندان موثر هستند (۹، ۱۰، ۱۱). وود، رید، میشل و برند نشان داد که والدین سهل گیر موجب مصرف و افزایش مصرف الکل می‌شوند (۱۲). همچنین بر اساس مطالعات داشتن والدین مستبد با نافرمانی بیشتر در نوجوانان ارتباط داشت و آن هم با مصرف الکل ارتباط دارد (۱۳). از دیگر عواملی که برای مشخص کردن مصرف‌کنند گان مواد در طی پژوهش‌های مختلف و به ویژه در نظریه زیستی–روانی شخصیت کلونینجر شناسایی شده، متغیر نوجویی است که یکی از ابعاد سرشتی شخصیت می‌باشد. در پژوهش‌های مختلف این ویژگی به عنوان عامل خطرساز، یعنی ویژگی یا اتفاقی که اگر در شخصی وجود داشته باشد، احتمال گرایش فرد را به مصرف مواد مخدر افزایش می‌دهد، در مصرف کنندگان انواع مختلف مواد مخدر در نظر گرفته شده است (۱۴). بسیاری از روانشناسان و فعالان حوزه اعتیاد پژوهی به نقش نوجویی به عنوان عامل میانجی در روابط بین شیوه‌های فرزند پروری با گرایش به اعتیاد در افراد اشاره داشته‌اند و بیان می‌کنند که شیوه‌های فرزند پروری از طریق نوجویی در افراد، تبیین‌کننده‌ی گرایش به اعتیاد است (۱۰ و ۱۱). به عبارتی زمانی که فرد در محیطی که با توجه به میزان ابعاد گرمی و پاسخدهی

[Downloaded from sjimu.medilam.ac.ir on 2026-10-11]

[DOI: 10.29252/sjimu.25.3.117]

والدین و میزان کنترل و توقع آن‌ها، رشد می‌یابد و تحت شیوه‌ی خاصی از فرزند پروری قرار می‌گیرد. این سبک تربیتی می‌تواند پیامدهای خاصی چون گرایش به اعتیاد بالا یا پایین را برای فرزندان در پی داشته باشد، اما در این بین بعد سرشتی شخصیت یعنی نوجویی می‌تواند وجود این رابطه را توضیح داده و تبیین کننده‌ی آن باشد و یا به عبارتی رابطه شیوه‌های فرزند پروری به واسطه نوجویی معنی پیدا نماید. بر اساس مطالب ذکر شده هدف پژوهش حاضر مشخص نمودن نقش واسطه ای نوجویی در رابطه بین شیوه‌های فرزند پروری و گرایش به اعتیاد در دانش آموزان دبیرستانی است. مدل فرضی پژوهش نیز در شکل ۱ ارایه شده است.

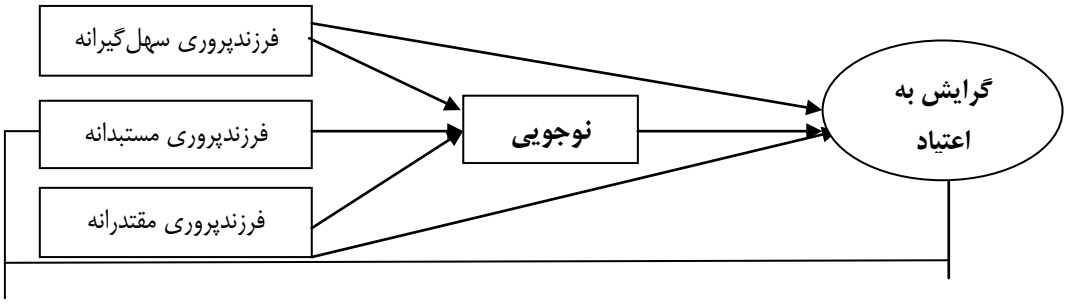

شکل ۱: مدل فرضی پژوهش

مواد و روش‌ها

جامعه آماری پژوهش حاضر شامل کلیه دانش آموزان پسر دبیرستان‌های دولتی شهر ایلام بود که در نیمسال اول تحصیلی ۹۴-۹۵ مشغول به تحصیل بودند. با استفاده از روش نمونه گیری خوشه ای چند مرحله‌ای، تعداد ۴۱۰ نفر از دانش آموزان انتخاب شدند به این صورت که ابتدا از بین ۱۲ دبیرستان دولتی به صورت تصادفی ۱۰ دبیرستان (دبیرستان‌های باقرالعلوم، حسابی، شهید شهریاری، هنرستان امام خمینی (ره)، هنرستان آیت اله خامنه ای، کمیل، شهید مدرس، طالقانی، بعثت، امیرکبیر و شهید بروجردی) و از هر دبیرستان ۲ کلاس انتخاب شدند. جهت رعایت اصول اخلاقی به شرکت کنندگان در زمینه‌ی محرمانه ماندن اطلاعات، اطمینان خاطر داده شد لذا آنها با رضایت کامل، پرسشنامه‌ها را در محیطی آرام و بدون ذکر مشخصات شخصی تکمیل نمودند. ابزارهای گرد آوری داده‌ها شامل موارد زیر بود:

مقیاس آمادگی به اعتیاد: این پرسشنامه، مقیاس ایرانی آمادگی به اعتیاد است که با توجه به شرایط روانی-اجتماعی جامعه‌ی ایرانی توسط زرگر ساخته شد. این پرسشنامه از دو عامل تشکیل شده و دارای ۳۶ ماده به اضافه‌ی ۵ ماده‌ی دروغ سنج می‌باشد. عامل اول یعنی آمادگی فعال مربوط به رفتارهای ضداجتماعی، میل به مصرف مواد، نگرش مثبت به مواد و هیجان خواهی است و عامل دوم یعنی آمادگی منفعل مربوط به عدم ابراز وجود و افسردگی می‌باشد. نمره گذاری هر سئوال بر روی یک پیوستار از صفر (کاملا مخالفم) تا ۳ (کاملا موافقم) می‌باشد. جهت محاسبه‌ی روایی این مقیاس از دو روش استفاده شد. روایی سازه‌ی مقیاس از طریق همبسته کردن آن با مقیاس ۲۵ ماده ای فهرست علایم بالینی، ۰/۴۵ محاسبه شده است که در سطح ۰/۰۱ معنی دار بود و در روایی ملاک، پرسشنامه‌ی آمادگی به اعتیاد دو گروه معتاد و غیر معتاد را به خوبی از هم تمییز داد. پایایی مقیاس با روش آلفای کرونباخ ۰/۹۰ محاسبه شد که در حد مطلوب می‌باشد (۱۵).

پرسشنامه شیوه‌های فرزند پروری بامریند: این پرسشنامه توسط بامریند در سال ۱۹۷۲ ساخته شده و دارای ۳۰ سئوال می‌باشد که به صورت لیکرتی از ۰ تا ۴ نمره گذاری می‌شود. هر ۱۰ سئوال یک سبک فرزندپروری را می‌سنجد. بوری، میزان پایایی این پرسشنامه را با روش بازآزمایی برای سبک سهل‌گیر ۰/۸۱، برای سبک مستبد ۰/۸۶ و برای سبک مقتدر ۰/۹۲ گزارش نموده است. روایی تشخیص پرسشنامه نشان داد که روش استبدادی مادر، رابطه‌ی معکوس با سهل‌گیری و قاطع بودن دارد و مستبد بودن پدر نیز رابطه‌ی معکوسی با سهل‌گیری و قاطع بودن دارد (۱۶).

[Downloaded from sjimu.medilam.ac.ir on 2026-10-11]

[DOI: 10.29252/sjimu.25.3.117]

در ایران نیز اسفندیاری میزان پایایی این پرسشنامه را با روش بازآزمایی برای سبک سهل گیرانه ۰/۶۹، برای سبک مستبد ۰/۷۷ و برای سبک مقتدر ۰/۷۳ گزارش نموده است و روایی محتوایی آزمون نیز توسط ۱۰ نفر از صاحب نظران روان‌شناسی و روان‌پزشکی مورد تایید قرار گرفت (۱۷).

پرسشنامه شخصیتی سرشت و منش کلونینجر: در این پژوهش، برای اندازه گیری نوجویی از فرم کوتاه سیاهه مزاج و منش کلونیجر استفاده خواهد شد. این پرسشنامه توسط کلونیجر (۱۹۹۱) و بر اساس نظریه سیستم‌های زیستی–روانی تهیه شده است. فرم کوتاه سیاهه سرشت و منش شامل ۱۲۵ عبارت و دو مولفه ی مزاجی (نوجویی، آسیب گریزی، پاداش خواهی و پشتکار) و مولفه ی منش (خودگردانی، همکاری و تعالی بخشی خود) و در مجموع ۲۵ مقیاس است (۱۸). کلونینجر اعتقاد دارد که سرشت جزء زیستی شخصیت است و سامانه‌های سرشتی در مغز دارای سازمان یافتگی کارکردی متشکل از سامانه‌های متفاوت و مستقل از یکدیگر برای فعال سازی تداوم و بازداری رفتار در پاسخگویی به گروه‌های معینی از محرک‌هاست و منش شامل دریافت‌های منطقی درباره خود، دیگران و دنیاست و بیشتر ویژگی‌هایی را شامل می‌شود که تحت تأثیر عوامل محیطی در ساختار شخصیت شکل می‌گیرند (۱۹). کاویانی همبستگی درونی مقیاس‌ها را با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ در نمونه، شامل ۱۲۱۲ نفر برای نوجویی ۰/۷۲، آسیب پرهیزی ۰/۸۰، پاداش وابستگی ۰/۷۳، پشتکار، ۰/۵۵، همکاری ۰/۷۷، خودراهبری ۰/۸۴ و خودفراروی ۰/۷۲ بدست آورد. ضرایب روایی عبارت است از نوجویی ۰/۷۵، آسیب پرهیزی ۰/۷۲، پاداش وابستگی ۰/۸۷، پشتکار ۰/۹۰، همکاری ۰/۷۶، خودراهبری ۰/۶۶ و خودفراروی ۰/۸۶ (۲۰).

یافته‌های پژوهش

در ابتدا لازم به ذکر است که میانگین سنی افراد شرکت کننده در پژوهش حاضر ۱۶/۲۳ (انحراف معیار ۱/۹۵) بود. تعداد ۱۱۳ نفر آن‌ها سال اول دبیرستان، ۱۴۵ نفر سال دوم دبیرستان و ۱۵۲ نفر سال سوم دبیرستان بودند. یافته‌های توصیفی مربوط به متغیرها شامل میانگین، انحراف استاندارد ارایه شده است. همچنین به منظور بررسی رابطه بین رابطه سبک‌های فرزند پروری و نوجویی با اعتیاد از روش ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد که نتایج در جدول ۱ ارائه شده است. لازم به ذکر است که جهت مشخص نمودن نرمال بودن توزیع متغیرهای پژوهش، از آزمون کلوموگروف– اسمیرنوف (S-K) استفاده شد که این مفروضه برقرار بود.

جدول ۱. میانگین، انحراف استاندارد و ضرایب همبستگی بین متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	انحراف استاندارد	۱	۲	۳	۴	۵
۱– فرزندپروری سهل گیرانه	۱۷/۶۳	۵/۷۹	۱	-۰/۱۶*	-۰/۳۳*	۰/۵۰*	۰/۳۳*
۲– فرزندپروری مستبدانه	۱۸/۶۸	۴/۱۸	–	۱	-۰/۱۹*	۰/۲۵*	۰/۳۹*
۳– سبک مقتدرانه	۲۱/۱۸	۵/۷۳	–	–	۱	-۰/۴۲*	-۰/۴۷*
۴– نوجویی	۱۱/۰۹	۳/۷۳	–	–	–	۱	۰/۵۸*
۵– گرایش به اعتیاد	۴۶/۱۵	۱۰/۳۷	–	–	–	–	۱

مندرجات جدول ۱، میانگین (انحراف معیار) کل نمونه در سبک‌های فرزند پروری، نوجویی و گرایش به اعتیاد را نشان می‌دهد. همچنین نتایج ضریب همبستگی نیز نشان می‌دهد که بین سبک‌های فرزند پروری سهل گیرانه و مستبدانه با نوجویی و گرایش به اعتیاد رابطه مثبت، بین سبک فرزند پروری مقتدرانه با نوجویی و گرایش به اعتیاد رابطه منفی و بین نوجویی و گرایش به اعتیاد رابطه مثبت وجود دارد که همه روابط در سطح $P< ۰/۰۰۱$ معنی دار بودند.

در ادامه به منظور ارزیابی الگوی پیشنهادی، روش الگویابی معادلات ساختاری (SEM) استفاده شد. تمامی تحلیل‌ها با استفاده از نرمافزارهای SPSS ویراست ۱۶ و AMOS ویراست ۱۶ انجام گرفت. جهت تعیین کفایت برازندگی الگوی پیشنهادی با

[Downloaded from sjimu.medilam.ac.ir on 2026-10-11]

[DOI: 10.29252/sjimu.25.3.117]

داده‌ها، ترکیبی از شاخص‌های برازندگی مورد استفاده قرار گرفت.). الگوی پیشنهادی در پژوهش حاضر در مجموع ۵ متغیر را در خود جای داده است. برازش الگوی پیشنهادی با داده‌ها بر اساس شاخص‌های برازندگی در جدول ۲ داده شده است.

جدول ۲. برازش الگوی پیشنهادی با داده‌ها بر اساس شاخص‌های برازندگی

شاخص برازندگی / الگو	χ^2	df	$\frac{\chi^2}{df}$	GFI	AGFI	IFI	TLI	CFI	NFI	RMSEA
الگوی پیشنهادی	۱۲/۱	۳	۴/۰۲	۰/۹۹	۰/۹۳	۰/۹۸	۰/۹۴	۰/۹۸	۰/۹۸	۰/۰۸

همان‌گونه که جدول ۲ نشان می‌دهد الگوی پیشنهادی در شاخص‌های برازندگی از برازش خوبی برخوردار است.

جدول ۳ مسیرها و ضرایب استاندارد آن‌ها را در الگوی نهایی بر اساس خروجی نرم افزار AMOS ویراست ۱۶ نشان می‌دهد.

جدول ۳. پارامترهای اندازه‌گیری روابط مستقیم، خطای معیار، نسبت بحرانی و سطح معنی داری

مسیرها	برآورد غیر استاندارد (B)	برآورد استاندارد (β)	خطای معیار (SE)	نسبت بحرانی (CR)	سطح معنی داری (P)
فرزندپروری سهل گیرانه← نوجویی	۰/۳۰	۰/۴۷	۰/۰۲	۱۱/۴۱	۰/۰۰۰۱
فرزندپروری مستبدانه ← نوجویی	۰/۲۶	۰/۲۹	۰/۰۳	۷/۲۶	۰/۰۰۰۱
فرزندپروری مقتدرانه ← نوجویی	−۰/۱۴	−۰/۲۱	۰/۰۲	−۵/۱۱	۰/۰۰۰۱
نوجویی ← گرایش به اعتیاد	۱/۰۴	۰/۴۹	۰/۱۰	۹/۵۸	۰/۰۰۰۱
فرزندپروری سهل گیرانه← گرایش به اعتیاد	۰/۲۲	۰/۱۶	۰/۰۶	۳/۴۱	۰/۰۰۰۱
فرزندپروری مستبدانه ← گرایش به اعتیاد	۰/۵۲	۰/۲۷	۰/۰۸	۶/۴۴	۰/۰۰۰۱
فرزندپروری مقتدرانه ← گرایش به اعتیاد	۰/۳۳	−۰/۲۴	۰/۰۶	−۵/۵۰	۰/۰۰۰۱

بر اساس ضرایب استاندارد ارائه شده در جدول ۳، ملاحضه می‌شود که همه مسیرهای مستقیم معنی دار می‌باشند (p<۰/۰۰۰۱)؛ بنابراین می‌توان بیان داشت که سبک فرزند پروری سهل گیرانه و مستبدانه اثر مثبت و مستقیم معنی‌داری بر نوجویی و گرایش به اعتیاد دارند درحالی که سبک فرزند پروری مقتدرانه اثر منفی و مستقیم معنی‌داری بر نوجویی و گرایش به اعتیاد دارد.

جدول ۴. شاخص‌های مربوط به روابط غیرمستقیم سبک‌های فرزندپروری با گرایش به اعتیاد از طریق نوجویی

مسیرها	برآورد غیر استاندارد (B)	برآورد استاندارد (β)	خطای استاندارد	سطح معنی داری (P)
فرزندپروری سهل گیرانه با گرایش به اعتیاد از طریق نوجویی	۰/۳۲	۰/۲۳	۰/۰۵۷	۰/۰۰۰۱
فرزندپروری مستبدانه با گرایش به اعتیاد از طریق نوجویی	۰/۲۷	۰/۱۴	۰/۰۷۲	۰/۰۰۰۱
فرزندپروری مقتدرانه با گرایش به اعتیاد از طریق نوجویی	−۰/۱۴	−۰/۱۰	۰/۰۴۰	۰/۰۰۰۱

نتایج نشان می‌دهد که تاثیر سبک فرزند پروری سهل گرایانه بر گرایش به اعتیاد از طریق نوجویی ۰/۲۳، تاثیر سبک فرزند پروری مستبدانه بر گرایش به اعتیاد از طریق نوجویی ۰/۱۴ و تاثیر سبک فرزند پروری مقتدرانه بر گرایش به اعتیاد از طریق نوجویی ۰/۱۰− بود. به منظور بررسی معنی‌دار بودن روابط غیرمستقیم از از روش به وت استراپ ماکرو پریچر و هیز (۲۰۰۸) استفاده شد که نتایج به وت استراپ ۵۰۰۰ نمونه‌ای نشان داد اثر غیرمستقیم سبک‌های فرزند پروری بر گرایش به اعتیاد از طریق نوجویی معنی‌دار بود (p < ۰/۰۰۰۱).

[Downloaded from sjimu.medilam.ac.ir on 2026-10-11]

[DOI: 10.29252/sjimu.25.3.117]

بحث و نتیجه گیری

هدف پژوهش حاضر بررسی نقش واسطه ای نوجویی در رابطه بین شیوه‌های فرزند پروری با گرایش به اعتیاد در دانش آموزان پسر دبیرستانی شهر ایلام بود. بر اساس یافته‌های پژوهش حاضر سبک فرزند پروری سهل گیرانه و مستبدانه اثر مثبت و مستقیم معنی داری بر نوجویی و گرایش به اعتیاد دارند درحالی که سبک فرزند پروری مقتدرانه اثر منفی و مستقیم معنی داری بر نوجویی و گرایش به اعتیاد دارد. همچنین نتایج پژوهش نقش واسطه‌ای نوجویی در رابطه شیوه‌های فرزند پروری با گرایش به اعتیاد در دانش آموزان را تایید نمود. نتایج این پژوهش با یافته‌های دیگر پژوهش‌ها (۶،۹، ۱۰،۱۱،۱۲،۱۳) همسو است که نشان دادند شیوه‌های فرزند پروری سهل گیرانه و مستبدانه با نوجویی و گرایش به اعتیاد رابطه مثبت و فرزندپروری مقتدرانه با گرایش به اعتیاد و نوجویی رابطه منفی دارد. در تبیین نتایج حاضر می‌توان بیان داشت که والدین دارای شیوه فرزند پروری مقتدرانه، به دلیل وجود کنترل و حمایت کافی و مناسب باعث ایجاد محیطی امن و قابل اعتماد شده که یکی از اساسی‌ترین شرایط برای رشد سالم فرد است. آن‌ها واقعیت‌ها و بینش‌های شناختی را به کودکان خود منتقل می‌کنند و تمایل بیشتری برای پذیرش دلایل کودک در رد یک رهنمود از خود نشان می‌دهند. این والدین سخنوران خوبی هستند و اغلب برای مطیع سازی از استدلال و منطق بهره می‌جویند و نیز به منظر توافق با کودک از ارتباط کلامی استفاده می‌کنند و همچنین آن‌ها تاب مقاومت در برابر قهر و غضب کودک را دارند. والدین مقتدر به تلاش‌های کودکان در جهت جلب حمایت و توجه پاسخ می‌دهند واز تقویت‌های مثبت بیشتری استفاده می‌کنند. لذا کودکان والدین مقتدر در مقیاس‌هایی نظیر فعال بودن، اعتقاد به خود و استقلال رأی رتبه‌های بالاتری را به خود اختصاص می‌دهند. این کودکان، واقع‌گرا، باکفایت و خشنود توصیف شده متکی به نفس بوده، با همسالان روابط دوستانه دارند، با فشار روانی به خوبی مقابله می‌کنند، سرزنده و پرانرژی هستند و کمتر مستعد رفتارهای پرخطر می‌باشد. در مقابل، در شیوه-های فرزند پروری نامناسب مانند شیوه‌های مستبدانه و سهل گیرانه، این شرایط مطلوب برقرار نیست و فرد مستعد گرایش به سوی رفتارهای پرخطر است. در همین راستا نوجویی به عنوان یک متغیر شخصیتی می‌تواند رابطه شیوه‌های فرزند پروری با گرایش به اعتیاد را تفسیر و توضیح دهد چرا که وجود زمینه سرشتی در شخصیت فرد استعداد گرایش و یا اجتناب از رفتن به سمت اعتیاد را فراهم می‌نماید و این زمینه شخصیتی با در معرض عوامل تربیتی قرار گرفتن می‌تواند کشش و گرایش فرد به سمت اعتیاد را تبیین نماید؛ به عبارت دیگر زمانی که فرد در محیطی که با توجه به میزان ابعاد گرمی و پاسخدهی والدین و میزان کنترل و توقع آن‌ها، رشد می‌یابد و تحت شیوه‌ی خاصی از فرزند پروری قرار می‌گیرد. این سبک تربیتی می‌تواند پیامدهای خاصی چون گرایش به اعتیاد بالا یا پایین را برای فرزندان در پی داشته باشد، اما در این بین بعد سرشتی شخصیت یعنی نوجویی می‌تواند وجود این رابطه را توضیح داده و تبیین کننده‌ی آن باشد و یا به عبارتی رابطه شیوه‌های فرزند پروری به واسطه نوجویی معنی پیدا می‌کند.

در پایان نیز با توجه به جامعه آماری ویژه‌ی این پژوهش (دانش‌آموزان پسر دبیرستانی شهر ایلام) می‌بایست در تعمیم نتایج به جوامع دیگر احتیاط کرد و پیشنهاد می‌شود این پژوهش در سایر شهرها و مقاطع تحصیلی انجام گیرد تا بهتر بتوان نتایج را تعمیم داد. همچنین طرح پژوهش حاضر از نوع همبستگی بود، لذا استنباط علی از نتایج بایستی با احتیاط صورت گیرد. در نهایت پیشنهاد می‌شود پژوهشگران در پژوهش‌های آتی، متغیرهای بیشتری را که بر گرایش به اعتیاد اثر می‌گذارند همچون سبک‌های مقابله ای، تاب آوری، جرات ورزی و ... را به طور همزمان و در مدل‌های پیچیده تر مورد بررسی قرار دهند.

[Downloaded from sjimu.medilam.ac.ir on 2026-10-11]

[DOI: 10.29252/sjimu.25.3.117]

References

1.Karkhi M.Wrong beliefs in addiction. 1th ed. Qom University of medical sciences Puiblication 2012; P. 3.

2.Momtazi S, Jafari S, Khosravi N, Nikfarjam A. Science of addiction drugs the brain and behavior. 1th ed. Ministry of Health and Medical Education Publications. 2012; P.15.

3.Gossop M, Grant M. Preventing and controlling drug abuse. World Health Organization: Geneva; 1990: 132-78.

4.Dabbaghi P, Asgharnejad AA, Atef MK, Bolhari J. [Effectiveness of mindfulness-based cognitive therapy group mindfulness and moral schema activation in preventing relapse in opioid]. J Psych Clin Psychol 2007; 13: 366-75. (Persian)

5.Sarami Gh, Ghorbani M, Taghavi M. The survey two decades of prevalence studies among Iran university students. Quart J Res Add2013;7: 9-36.

6.Stephenson MT, Helme DV. Authoritative parenting and sensation seeking as predictors of adolescent cigarette and marijuana use. J Drug Edu2006;36:247-70.

7.Maccoby E, Martin J. Socialization in the context of the family parent child interaction. New York Wiley Publication.1983:P.1-101.

8.Pellerin LA. Applying Baumrind's parenting typology to high schools toward a middle range theory of authoritarian socialization. Soc Sci Res 2005; 34: 283-303.

9.Patockpeckham JA, Morganlopez AA. The gender specific meditational pathways between parenting styles neuroticism pathological reasons for drinking and alcohol related problems in emerging adulthood. Add Behav 2009; 34:312-15.

10.Beyesr W, Goossens L. Emotional autonomy psychological adjustment and parenting interactions moderating and mediating effects. J Adolescence 2003; 22:753-69.

11.Keltikangasjarvinen L, Kivimaki M, Keskivaara P. Parental practices self steem and adult temperament 17 year follow up study of four population based age cohort. J Pers Ind Dif 2003;34:431-47.

12.Hayes L, Smart D, Toumbourou JW, Sanson A. Parental influences on adolescent alcohol use. Melbourne Australian Ins Fam Stud 2004; 5:175-241.

13.Zeinali A, Vahdat R, Gharadinge K. [Relationship between parenting style talented addiction in children]. J Fam Res2010; 23:335-52. (Persian)

14.Lebon O, Basiaux P, Streel E, Tecco J, Hana C, Hansenne M, et al. Personality profile and drug of choice. a multivariate analysis using cloningers TCI on heroin addicts alcoholics and a random population group. Drug Alcohol Dep2004;73: 172-82.

15.Zargar Y, Najarian B, Naami A. [The relationship between personality sensation seeking assertiveness and resiliency religious attitudes and marital satisfaction to addiction potential]. J Edu Psychol 2008; 1: 99-120. (Persian)

16.Buri M. Parental authority questionnaire. J Pers Ass 1991; 57: 110- 9.

17.Esfandiari GH. [Study of parenting styles in mothers of children with behavior disorders and normal children and effect of parental education on childrens behavioral disorders]. Psychol Edu Sci1996: 112-8. (Persian)

18.Cloninger CR. Brain networks under lying Personality development. 1th ed. New York Raven Publicatiuon.1991; P. 132-5.

19.Cloninger, CR. Svrakic DM. Differentiating normal and deviant personality by the seven factor personality model. 4th ed. New York Springer Publishing.1994; P. 235-8.

20.Kaviani H, Poornaseh M. Validation of temperament and character inventory in Iranian sample normative data. Tehran Uni Med Sci J2005; 63: 89-98.

[Downloaded from sjimu.medilam.ac.ir on 2026-10-11]

[DOI: 10.29252/sjimu.25.3.117]

The Relationship between Parenting Styles and Addiction Potentiality in Ilam high School Students: The Mediating Role of Novelty Seeking

Ahmadi V[1], Banijamali Sh[2], Sarami Gh[3]*

(Received: April 3, 2016 Accepted: June 18, 2016)

Abstract

Introduction: Addiction is a physical and mental disorder, which because of its progressive nature endangers the health of individual and community in all aspects of life. The present research aimed to understand the mediating role of novelty seeking in the relationship between Parenting styles and addiction tendency in high school students in the city of Ilam.

Materials & methods: The statistical population of present research consisted of all high school boy students in the first semester 2015-2016 academic years; therefore, 410 students were selected with multistage random sampling, and completed the Baumrind parenting styles questionnaire, Cloninger novelty sensation scale and Zargar addiction potentiality. The data have been analyzed by Pearson correlation test and path analyses using Amos -16.

Findings: Results showed that the proposed model had sufficient fitness with data of research. Path analysis showed that parenting styles significantly affected novelty sensation and addiction potentiality directly. Also, it was found out that novelty sensation had mediating role in the relationship between parenting styles and addiction potentiality.

Discussion & conclusions: According to present research results, novelty sensation is one of the most effective reasons on student's tendency to drug abusing. With this in mind, the hygienic officials and activists should make policies to increase parent's information in suitable parenting styles education field and the important role of personality characteristic in tendency to addiction.

Keywords: Parenting style, Addiction, Novelty sensation, Students

1.Dept of Health Psychology, Karaj Branch, Islamic Azad University, Karaj, Iran
2.Dept of Psychology and Educational Science, Al-Zahra University, Tehran, Iran
3.Dept of Psychology and Educational Science, Kharazmi University, Karaj, Iran
** Correspondin author Email: Banijamali.sh@gmail.com*

[Downloaded from sjimu.medilam.ac.ir on 2026-10-11]

[DOI: 10.29252/sjimu.25.3.117]